

The Geopolitical Implications of the Karabakh Crisis for the Relations of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mokhammad Ekhbari, PhD

Mohammad Akhbari,

Associate Professor of
Political Geography,
Islamic Azad University,
Central Tehran Branch

Correspondence*

Address: Islamic Azad
University, Central Tehran
Branch.

Email: dr.m.akhbari@gmail.com

Article History

Received: 05 September 2020

Accepted: 10 November 2020

ABSTRACT

The Karabakh crisis, which flared again with the Azerbaijani army's attacks on Armenian forces in the region on 20th of November in 2020, is rooted in the crises and differences between the Armenian and Azerbaijani people since the formation of the Soviet Union. The second Karabakh war ended 44 days after the victory of the Azerbaijani army and the signing of a tripartite ceasefire agreement by the leaders of Russia, Azerbaijan and Armenia on the 20th of November. These wars and conflicts, which after a period of intense conflict eventually led to a temporary ceasefire between the two countries, with the intervention of Russia, took place while ambiguities and important questions remained unanswered about the past, present and future of the Caucasus geopolitical region and the implications of current developments in the Nagorno-Karabakh crisis for neighboring countries. In recent decades, the Islamic Republic of Iran has not been able to take advantage of the geopolitical opportunities in Central Asia and the Caucasus as it should. Now, the issue that rapid and serious developments have taken place in the Caucasus, especially in the relations between the Republic of Azerbaijan and Armenia, has paved the way for new dual conditions for Iranian politicians and has created opportunities and reciprocal threats that, if not dealt with intelligently, will not only have no benefits for Iran, but it will inflict heavy losses on our country. The issues addressed in this article as the geopolitical implications of the 2020 Karabakh war are considerations and concerns which might may create problems for Iran in the future. It goes without saying that the active presence and strong diplomacy of the Islamic Republic of Iran in this region, especially in the current sensitive situation, can turn many of the existing threats into opportunities and eliminate the existing concerns. It should be noted that the Karabakh crisis and its developments so far show a deeper and broader policy for the entire Greater Caucasus and even Southwest Asia, a deep policy whose geopolitical implications can be very influential for some regional actors such as Iran.

Keywords: Caucasus, Karabakh, Geopolitical Implications, The Islamic Republic of Iran, Crisis.

پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر مناسبات جمهوری

اسلامی ایران در قفقاز

دکتر محمد اخباری * PhD

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

چکیده

بحران قره‌باغ که با حملات ارتش آذربایجان به نیروهای ارمنی در این منطقه در تاریخ ۲۰ آبان دوباره شعله کشیده است ریشه در بحران‌ها و اختلافات دو جمعیت ارمنی و آذری از زمان شکل‌گیری اتحاد شوروی دارد. جنگ دوم قره‌باغ پس از ۴۴ روز با پیروزی ارتش آذربایجان و امضای توافق‌نامه سه جانبه آتش‌بس توسط رهبران روسیه، آذربایجان و ارمنستان در روز بیستم آبان ماه به پایان رسید. این جنگ و درگیری‌ها که پس از یک دوره شدید درگیری در نهایت منجر به آتش‌بسی موقت میان دو کشور درگیر آن هم با محوریت روسیه شد، در حالی صورت پذیرفت که ابهام و سوالات مهمی در مورد گذشته، حال و آینده منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز و پیامدهای تحولات کنونی "بحران قره‌باغ" بر کشورهای همسایه به وجود آورده است.

در دهه‌های گذشته جمهوری اسلامی ایران آن‌چنان که باید و شاید موفق نشد، فرصت‌های ژئوپلیتیکی موجود در آسیای مرکزی و قفقاز را به سود خود فعال کند. این موضوع اکنون که تحولاتی سریع و جدی در قفقاز و به‌ویژه مناسبات جمهوری آذربایجان و ارمنستان به وقوع پیوسته، شرایط دوگانه جدیدی را پیش روی سیاست‌مداران ایرانی گشوده و فرصت‌ها و متقابلاً تهدیدهایی را به‌وجود آورده است که اگر هوشمندانه با آن برخورد نشود، نه تنها سودی برای ایران نخواهد داشت، بلکه خسارت‌های سنگینی را متوجه کشورمان خواهد کرد.

مواردی که در این مقاله به عنوان پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ مورد اشاره قرار گرفت، ملاحظات و نگرانی‌هایی است که ممکن است در آینده برای ایران مشکلاتی را به‌وجود آورد. ناگفته پیداست حضور فعال و دیپلماسی قوی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، می‌تواند بسیاری از تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل کرده و نگرانی‌های موجود را از بین ببرد.

لازم به تأکید است که بحران قره‌باغ و تحولات آن تاکنون، نشان از یک سیاست‌گذاری عمیق‌تر و گسترده‌تر برای کل قفقاز بزرگ و حتی آسیای جنوب غربی دارد، سیاست‌گذاری عمیقی که نتایج و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن می‌تواند برای برخی بازیگران منطقه‌ای مانند ایران بسیار تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: قفقاز، قره‌باغ، پیامد ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران، بحران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

نویسنده مسئول: dr.m.akhbari@gmail.com

مقدمه

نظام ژئوپلیتیکی جهانی، دارای ماهیتی دیالکتیک و پویاست که در نتیجه این پویایی، در طول تاریخ زندگی سیاسی و اجتماعی بشر در دوره‌های زمانی مختلف در نتیجه تحولات بنیادین ژئوپلیتیک جهانی، ساختار جدیدی از قدرت با آرایش جدید و با ابزار و نقشه جدیدی چرخه قدرت را در دست گرفته و نظام ژئوپلیتیکی جهانی نوینی را با فرمولی نو، شکل داده‌اند. جهان ژئوپلیتیک به شکل طبیعی دوره‌هایی از نظم و بی‌نظمی، ثبات و بی‌ثباتی، امنیت و ناامنی، موازنه و یا عدم توازن را تجربه می‌کند. جهان کنونی در یک دوره «گذار ژئوپلیتیکی» قرار دارد، این دوره گذار بین دو نظم ژئوپلیتیکی قرار دارد. در دوره گذار ژئوپلیتیکی: بی‌نظمی، ناامنی، فقدان و یا ضعف مدیریت و کنترل منسجم بر فرآیندهای منطقه‌ای یا جهانی، تجاوز نظامی، ائتلاف‌های ناپایدار، رقابت شدید قدرت‌های مدعی گسترش حوزه نفوذ، ظهور و رشد بازیگران جدید، عدم توازن قدرت، تروریسم ملی و بین‌المللی، هویت‌گرایی محلی، منطقه‌ای، ملی، قومی و نظایر آن توسعه و گسترش می‌یابد.

یکی از مختصات این دوران، افزایش نیروهای مرکز گریز در نظام بین‌الملل است که در پرتو آن به موازات قدرت‌نمایی کنش‌گران غیردولتی، ظهور مراکز چندگانه قدرت نیز شتاب یافته است که حاصل آن تغییر تدریجی شکل و ماهیت نظام بین‌الملل می‌باشد، البته دولت‌ها و واحدهای سیاسی هنوز کنش‌گران اصلی سیاست جهانی محسوب می‌شوند.

شرایط خاص و ساختارهای مختلف نظام منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس پس از در دوران جنگ سرد سبب گسترش حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردید و این عوامل زمینه بی‌ثباتی، ائتلاف‌گرایی، شکل‌گیری معمای امنیت، گسترش تضادهای قومی و مذهبی و ... را فراهم نمود.

پیشگیری از تهدیدهای امنیتی در آینده نیازمند درجه‌ای از حضور فعال ایران در مسائل سیاسی-امنیتی منطقه است. واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ویژگی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی ایران به گونه‌ای است که امنیت ملی آن را به مسائل منطقه‌ای و به خصوص مرزهای فوری متصل می‌کند. چالش‌های نوظهور امنیتی بر وابستگی متقابل امنیتی ایران با کشورهای همسایه افزوده است. برای پیشگیری از تهدیدهای آینده، ایران خواهان افزایش نقش و حضور فعال در نظام سیاسی-امنیتی و نیز فعالیت‌های اقتصادی-فرهنگی در سطح منطقه است.

ماهیت رقابتی و پرتحول دوره گذار ژئوپلیتیکی به‌گونه‌ای

سوم؛ ایران از موقعیت ژئواکونومیک راهبردی خاصی سود می‌برد که آن را در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار می‌دهد. [19]

ایران با توجه به قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی حساس ضرورت توجه به پایداری دفاعی-امنیتی در این منطقه را دوچندان کرده. بنابراین کشور ایران و منطقه قفقاز به دلیل قرار گرفتن در یک فضای راهبردی ناامن و محیط امنیتی پرچالش به طور ذاتی جزء مناطق پر تهدید محسوب می‌شوند و بدون مطالعات دقیق بر روی مسائل دفاعی-امنیتی و یک مدیریت سرزمینی هوشیار و منطقی در سطح منطقه‌ای و کشوری دچار چالش‌های اساسی خواهد شد.

منطقه قفقاز در طول تاریخ به سه حوزه تمدنی واگذار شده است

اولین حوزه تمدنی که حضور موثر و طولانی داشته‌اند، ایرانیان بوده‌اند و این منطقه روزگاری جزو خاک ایران محسوب می‌شده است. حوزه بعدی عثمانی است و سومین حوزه تمدنی مرتبط با روس‌ها یا شوروی سابق می‌باشد.

این سه تمدن حاشیه قفقاز در طول تاریخ بر این منطقه حاکم بوده‌اند و هر کدام از این‌ها برای خودشان آثار فکری و تمدنی در این منطقه دارند و این برای ایران به صورت خاص بسیار مشهود است.

روس‌ها وقتی در این منطقه حاکم شدند برای این منطقه یک سیستم تولید امنیت پایدار بر پایه چینش قومی طراحی کردند. بدین ترتیب که توسط خود این اقوام در این منطقه امنیت تولید کردند و هزینه زیاد امنیت را متوجه مسکو نکرده و این تفکر روس‌ها مختص به منطقه قفقاز نبود بلکه در آسیای میانه هم از یک‌ها را در کنار تاجیک‌ها گذاشتند و آن‌ها را سرگرم مسائل قومی کردند. [15]

در دیگر نقاط نیز چین‌ها را در کنار اینگوش‌ها، آبخازها را در کنار گرجی‌ها و آذری‌ها را در کنار ارمنه قرار دادند و بازی قومی و درگیر شدن این اقوام با خودشان باعث می‌شد تا به فکر حرکت به سمت دولت مرکزی مسکو نباشند. همچنین به صورت خاص برای این‌که آذری‌ها را کنترل کنند بخشی از این جمعیت شیعه مسلمان را که در منطقه قره‌باغ زندگی می‌کردند را کوچ دادند و به جای آن‌ها بخشی از نیروهای ارمنی را در آنجا و در کنار مسلمانان مستقر کردند.

است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدید را براساس منافع و امنیت ملی خود تقویت کنند. ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های مشروع امنیتی، از این امر مستثنی نیست.

ایران تلاش می‌کند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را با افزایش توانمندی‌های نسبی از طریق ایجاد موازنه قدرت در دوره گذار ژئوپلیتیکی تامین کند.

به هم پیوسته شدن مسائل نوظهور ژئوپلیتیکی و سیاسی جدید در منطقه، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای ایران به همراه داشته است. دفع چالش‌های امنیتی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های فراهم شده، نیازمند درجه‌ای از حضور موثر ایران در مسائل سیاسی-امنیتی منطقه‌ای است.

جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن موقعیت مهم در آسیای جنوب غربی، همواره بازیگر مؤثری در این منطقه بوده است. با این وجود، شواهد موجود نشان می‌دهد روابط ایران با کشورهای منطقه فاقد نهادینگی است. [20]

فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون به طور مستمر جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت و موقعیت جدید و انتخاب گزینه‌های جدید قرار می‌دهد. بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای موجود در مسیر اعتلای موقعیت در گرو توجه به الزامات و پیاده سازی دقیق اهداف و منافع ملی است. ایران به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه‌های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه قاره و خاورمیانه) دارد و اگر این کشور در چارچوب بین‌المللی حرکت کند و از ظرفیت تأثیرگذاری خود در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین، نسبت به رقابت‌های بین‌المللی در منطقه می‌تواند استفاده نماید.

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست؛ ایران کشوری بین‌المللی است که همواره مورد توجه کانون‌های قدرت بین‌المللی قرار داشته و در معادلات جهانی نقشی برجسته ایفا می‌کند.

دوم؛ ایران در مرکزیت و محوریت مناطق ژئوپلیتیک متداخلی قرار دارد که به واسطه دارا بودن موقعیت راهبردی دریایی، زمینی و تنگه‌ای از نقش و جایگاه برتری سود می‌برد.

نقشه (۱): نقشه قفقاز



دلایل اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز چیست؟

۱- قفقاز محل برخورد اسلام و مسیحیت است و به نظرها نتینگتون روی خط برخورد تمدن‌ها قرار دارد. گذشته از آن قفقاز محل برخورد ترک‌ها و غیرترک‌ها است.

۲- تمایل ناتو به گسترش به سوی شرق و نفوذ به منطقه قفقاز.

۳- اختلاف کشورهای حاشیه دریای خزر بر سر تعیین رژیم حقوقی و چگونگی بهره‌برداری از منابع اقتصادی آن.

۴- مسائل مربوط به دریای سیاه و افزایش توان نیروی دریایی ترکیه و تبدیل شدن آن به نیروی برتر در دریای سیاه و نیز اختلاف روسیه و اوکراین بر سر تقسیم ناوگان مشترک و بنادر شبه جزیره کریمه.

۵- مسئله مسیر لوله انتقال نفت دریای خزر و مسئله کنسرسیوم بین المللی نفت دریای خزر.

۶- تدوین دکترین نظامی جدید روسیه در سال ۱۹۹۳ و تأکید بر حمایت از روس‌های ساکن قفقاز.

۷- مخالفت روسیه با گسترش ناتو و هم‌سویی ایران و روسیه برای جلوگیری از آن. اعلام این نکته از سوی روسیه و ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای و تمایل آن‌ها به جلوگیری از دخالت بازیگران خارج از منطقه در بحران‌ها (منطقه‌ای کردن حل بحران‌های منطقه).

۸- استقلال طلبی و تجزیه طلبی چچن از روسیه، قره‌باغ از آذربایجان و آبخازستان و اوستیای جنوبی از گرجستان.

۱۰- استقرار موشک‌های اتمی برپایه شده از آلمان در خاک

ترکیه.

۱۱- فعال شدن پایگاه‌های نیروی هوایی ناتو در ترکیه و همکاری نظامی ترکیه با اسرائیل که در نتیجه جمهوری اسلامی ایران به علت داشتن مرز مشترک به طول ۸۰۷ کیلومتر با قفقاز با منطقه‌ای بحرانی هم‌جوار است.

۱۲- شکل بندی نامناسب مرزهای داخلی و بین المللی قفقاز

که موجد زمینه‌های ایجاد بحران است. [21]

در دهه‌های گذشته جمهوری اسلامی ایران آن‌چنان که باید و شاید موفق نشد، فرصت‌های ژئوپلیتیکی موجود در آسیای مرکزی و قفقاز را به سود خود فعال کند. هم‌اکنون که تحولاتی سریع و جدی در قفقاز و به‌ویژه مناسبات جمهوری آذربایجان و ارمنستان به وقوع پیوسته، شرایط دوگانه جدیدی را پیش روی سیاست‌مداران ایرانی گشوده و فرصت‌ها و متقابلاً تهدیدهایی را به‌وجود آورده است که اگر هوشمندانه با آن برخورد نشود، نه تنها سودی برای ایران نخواهد داشت، بلکه خسارت‌های سنگینی را متوجه کشورمان خواهد کرد.

مواردی که این‌جا به‌عنوان پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ اشاره می‌شود، ملاحظات و نگرانی‌هایی است که ممکن است در آینده برای ایران مشکلاتی را به‌وجود آورد. حضور فعال و دیپلماسی قوی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، می‌تواند بسیاری از تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل کرده و نگرانی‌های موجود را از بین ببرد.

می‌دانیم که قریب به ۳۰ سال پیش، حزب افراطی داشناک

منفعتی هم از آن به ایران نرسید و سود اصلی را ترکیه و روسیه بردند.

ترکیه‌ای که هیچ مرز زمینی و دریایی با قره‌باغ نداشته باید به‌عنوان ناظر بر آتش بس ورود کرده و حضور داشته باشد این برای ایران با داشتن بیش از ۸۰۰ کیلومتر مرز زمینی با منطقه قفقاز جز کاهلی در سیاست خارجی عنوان دیگری را نمی‌توان بر آن نهاد.

ما مجبور هستیم زمان، منابع و نیروهای خود را با واقعیت ژئوپلیتیکی جدید در مرزهای شمال غربی خود با آذربایجان اختصاص دهیم. متأسفانه بخشی از مرزهای آذربایجان و ایران از سال ۱۹۹۴ تحت اشغال ارامنه بوده است، اکنون دوباره تحت کنترل جمهوری آذربایجان قرار گرفته است و فصل جدیدی از وضعیت امنیتی بین دو کشور به‌وجود آمده است که در آینده برای ایران تبعات امنیتی غیر قابل پیش بینی را به‌وجود آورده و خواهد آورد، مانند ایستگاه شنود یا استقرار مهاجرین سنی در روستاهای همجوار ایران و

همچنین وجود ۲۰۰۰ حافظ صلح روسی که تنها در ۱۰۰ کیلومتری مرز ایران مستقر شده‌اند مسلماً برای ما یک تهدید محسوب می‌شود. اگرچه روابط روسیه و ما در چند سال اخیر در سطح خوبی بوده است، اما این کشور قرن‌ها است که از قدرت‌های رقیب در منطقه هستند و الان همسایه ما در خشکی شده است.

خلاء ژئوپلیتیک در دوران پسا جنگ قره‌باغ

رویدادهای گوناگونی پیرامون مرزهای ایران در حال شکل‌گیری است و یکی از این حفره‌های ژئوپلیتیک که دشمنان در حال پر کردن آن هستند قره‌باغ است. ژنوم قره‌باغ، یعنی ایجاد گسل‌های فعال که قابلیت تبدیل به لرزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و قومی را در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد و شکل جهش یافته طرح‌های پنهانی است که از سال‌ها پیش خواب آن را دیده‌اند.

مقاله سلیمان سیفی اوغون استاد علوم سیاسی دانشگاه اولوداغ ترکیه در روزنامه ینی شفق در بازنامی یکی از همین گسل‌های استراتژیک است.

او به مقامات آنکارا هشدار داد که در بازی اسرائیل گرفتار نشوند. آن چیزی که اسرائیل می‌خواهد پروژه درگیر کردن ترکیه با ایران است. در حالی که نه ترکیه و نه ایران آن را نمی‌پذیرند. آن‌ها تجربه تاریخی مشترک دارند اما وی در ادامه تأکید می‌کند: «من حضور اسرائیل را در آذربایجان تحسین نمی‌کنم حتی اگر این حضور علیه ارمنستان در جنگ قره‌باغ باشد. من تأکید می‌کنم

(فدراسیون انقلابی ارمنی) با حمایت جدی و همه جانبه ارمنستان اقدام به اشغال چیزی حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان به‌ویژه مناطق ناگورنو قره‌باغ، دهلیز لاجین، شوشا و مناطق پیرامونی آن کرد؛ اتفاقی که طی همه سال‌ها و دهه‌های گذشته منجر به تنش‌های جدی و خونینی میان دو کشور ارمنستان و آذربایجان شد. [3]

این جنگ و درگیری‌ها که در تاریخ ۲۰ آبان امسال و پس از یک دوره شدید درگیری در نهایت منجر به آتش بسی موقت میان دو کشور درگیر آن هم با محوریت روسیه شد، در حالی صورت پذیرفت که ابهام و سوالات مهمی در مورد گذشته، حال و آینده منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز و پیامدهای تحولات کنونی "جنگ قره‌باغ" بر کشورهای همسایه به وجود آورده است. درگیری و نزاع در منطقه قره‌باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان از جهات گوناگونی حائز اهمیت است. ایران با هر دو کشور دارای مرز مشترک بوده و همین امر ماهیت موضوع برای تهران را متفاوت‌تر از سایر کشورها می‌کند. از سوی دیگر، ارمنی‌ها و آذری زبان‌ها بخشی از جامعه بزرگ ایرانیان را تشکیل می‌دهند و طبیعی است که نسبت به آن حساسیت‌های خاص خود را داشته باشند.

ساده‌اندیشی است که بحران قره‌باغ میان ارمنستان و آذربایجان را یک نزاع دو بازیگر معمولی و کوچک منطقه‌ای برای تصرف یا آزادسازی بخشی از سرزمین یکدیگر قلمداد کنیم. بحران قره‌باغ و تحولات آن تاکنون، نشان از یک سیاست‌گذاری عمیق‌تر و گسترده‌تر برای کل قفقاز بزرگ و حتی آسیای جنوب غربی دارد، سیاست‌گذاری عمیقی که نتایج و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن می‌تواند برای برخی بازیگران منطقه‌ای مانند ایران بسیار ویران‌گر و دردناک باشد. با اذعان بر این که منافع ملی ایران در منطقه حفظ نشده بلکه حضور تروریست‌ها، نئو عثمانی‌ها و نیز اسرائیلی‌ها در منطقه آینده امنیت ملی ما را به خطر خواهد انداخت.

اگر خوشبینانه به مسئله قفقاز و عملکرد مسئولین سیاست خارجی و امنیت ملی ایران نگاه کنیم شاهد غفلت استراتژیک در نگاه بدبینانه باید گفت به کمای استراتژیک رفته‌اند.

ما در این منطقه کاملاً بیهوش شده‌ایم و نمی‌دانیم که در بالای سرمان و در کوتاه مدت چه اتفاقاتی افتاد و چه جغرافیایی علیه ما در حال شکل گرفتن است.

در شکل‌گیری توافق‌نامه‌ای که بین آذربایجان و ارمنستان صورت گرفت، ایران هیچ‌گونه نقش و حضوری ایفا نکرد اما ترکیه و روسیه کشورهایی بودند که پای ثابت آن بودند، در نهایت هیچ

توطئه‌ای نخواهند افتاد. اما یقیناً باید متوجه نیات کسانی بود که در پی تخریب و گشودن گسل‌های دائمی تنش و لرزش با توجه به خلاء ژئوپلیتیک در دوران پسا جنگ قره‌باغ هستند.

که اسرائیل می‌کوشد تا گروه‌های قومی را در ایران تحریک کند و جنگ ترکیه را با ایران راه بیندازد. صرف نظر از این که دو دولت و دو ملت ایران و ترکیه هوشیارند و هرگز در دام چنین

نقشه (۲): منطقه قفقاز پس از جنگ ۲۰۲۰



این جنگ یک جنگ ژئواکونومیک و ژئوانرژیک بود، از گذشته کمپانی‌های بزرگی برنامه‌ریزی کرده بودند که اگر این جنگ باعث ایجاد کریدور جنوبی زنگزور شد بتوانند از این کریدور بهره‌برداری کنند. ایجاد کریدور جدید که ترکیه را از طریق نخجوان به آذربایجان متصل می‌کند، ایران چه منافعی را از دست می‌دهد و همچنین ورود ترکیه به دریای خزر آیا برای منافع اقتصادی ایران تهدید محسوب می‌شود؟ اگر این کریدور عملی شود ایران را دو خطر بزرگ تهدید می‌کند:

تهدید اول اینکه پای ترکیه در منطقه وسیع و حوزه دریایی تجاری انرژی خزر باز می‌شود و ما با یک رقیب جدیدی روبرو می‌شویم که این رقیب جدید یک محور مشترک با کشورهای مختلف ترک زبان مانند ترکمنستان، آسیای مرکزی و یک نگاه ژئوپلیتیک با این کشورها دارد.

تهدید دوم این است که کریدور انرژی نفت و گاز که به سمت جنوب و شمال ارس ایران کشیده شده، ترکیه و کشورهای مانند انگلیس وارد آن شوند و امروز مذاکرات محرمانه پی در پی در باکو لندن و آنکارا در حال انجام است و می‌توان پیش بینی کرد که در این کریدور انرژی هم باز ایران را دور خواهند زد.

اگر یک جمع‌بندی از جنگ قره‌باغ داشته باشیم، می‌بینیم که:

منطقه قفقاز اکنون پس از جنگ قره‌باغ به سوی آرامشی نسبی در حرکت است و جدای از دست‌آوردهایی که برای بازیگران پیروز آن داشته است می‌توان با فرونشستن گرد و خاک، سه کانون بحران به‌جا مانده را به‌خوبی در منطقه مشاهده کرد.

تجزیه و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز :

۱. تعیین تکلیف قره‌باغ اگر بدین صورت بر پایه توافق کنونی پیش رود، فضای ژئوپلیتیک ایران را در شمال ارس تنگ‌تر خواهد کرد. ایران همچنان ناظر خاموش تحولات جاری است و در ساز و کارها و مناسبات امنیتی-اقتصادی و سیاسی شمال ارس طی سه دهه گذشته کنار گذاشته شده را ادامه خواهند داد. ۲. ترکیه و روسیه در تلاش برای خارج کردن آمریکا از منطقه قفقاز، رفته رفته به شرکایی راهبردی تبدیل می‌شوند. تبدیل مناطق به حوزه نفوذ روسیه و ترکیه هدف نهایی است که آنکارا در درگیری‌ها و بلواهای اخیر از سوریه و لیبی تا مدیترانه و قفقاز دنبال می‌کند.

۳. -آمریکا زمانی در قفقاز نقش مهم‌تری داشت؛ پس از تنها گذاشتن گرجستان در جنگ ۲۰۰۸، نفوذ آمریکا و اروپا در این منطقه کاهش یافت. جنگ آذربایجان و ارمنستان پایان مداخله آمریکا در قفقاز بود. در واقع هدف این بود که روسیه به عنوان میانجی به قفقاز بازگردد و منطقه از نفوذ غرب پاک شود. ۴. کریدور انرژی خزر که مورد توجه انگلیس و اسرائیل است، از ترکمنستان و قزاقستان به جنوب باکو و از آن‌جا به زنگلان و سپس نخجوان خواهد رسید و در این نبرد انرژی، ایران تسلیم خواهد شد.

۵. باید توجه داشت هر کریدور انرژی و ریلی که در حاشیه مرزهای ما ایجاد شود امنیت ژئوپلیتیک برای کمپانی‌ها و کشورهایی که صاحب آن هستند، ایجاد خواهد کرد و محیط ژئوپلیتیک جدیدی را به ما تحمیل خواهد کرد.

۱- قره‌باغ شمالی و جنوبی

مسئله قره‌باغ به‌طور کلی حل نشد و عدم تعیین تکلیف وضعیت حقوقی آن خود یک بحران بالقوه را باقی گذاشته است و وضعیت قره‌باغ جنوبی و شمالی را در هر زمانی تغییر دهد و موجب جنگ‌های محدودتر و یا نقطه‌ای شود. پایگاه نظامی نیروهای خارجی از جمله روسیه با بیش از ۲۰۰۰ نیرو و ترکیه با ۶۰ نیرو (مرکز مشترک نظارت) خود بر پیچیدگی‌های قره‌باغ افزوده است.

۲- مقری در استان سیونیک (زنگزور)

مقری در استان سیونیک و منطقه هم مرز با خاک ایران است و ارزش استراتژیک بسیار بالایی هم برای دو کشور همسایه دارد و تنها دروازه ورود ارمنستان به خاک ایران است. به سخنی دیگر تنها منطقه‌ای است که خط زمینی ترکیه را با جمهوری آذربایجان و دریای خزر قطع کرده است.

۳- نخجوان

نخجوان به‌عنوان منطقه‌ای جدا افتاده از جمهوری آذربایجان از وضعیت بسیار درآورد ژئوپلیتیکی در رنج است. اگر چه تاکنون ایران و ترکیه این خلاء ژئوپلیتیک را کاملاً پر کرده‌اند اما وضعیت یخ زده جغرافیایی اما بسیار با ارزش، برای هم آذربایجان و هم ترکیه بسیار مهم است و جدالی در سایه میان این دو کشور برای نفوذ بر نخجوان و حفظ آن با وجود شعارهای برادری آنکارا در کنار ادعاهای تاریخی ارمنستان بر این منطقه ادامه دارد.

مولفه‌های سه نقطه ژئوپلیتیک و بحران‌زا به‌گونه‌ای

است که اختلافات شدید و ادعاهای سه کشور آذربایجان و ارمنستان و ترکیه همچنان ادامه خواهد یافت.

هر سه این مناطق هم مرز با ایران هستند و هر سه در صورت تغییرات و یا اجرای طرح‌های جدید می‌توانند منافع ملی ایران را به خطر بیندازد. آمریکا در پی ایجاد نوار استراتژیک کنترل ایران و روسیه در قفقاز جنوبی است و این سه نقطه می‌توانند به سان نوار باریکی در جدا کردن ایران و همچنین دور نگه داشتن روسیه از حرکت به‌سوی جنوب (شمال ارس) با محوریت باکو- آنکارا عمل کند.

هر سه منطقه مسیر و دهلیز گازی آینده جهان خواهند شد. مسیری که اگر ایران در آن مشارکت نداشته باشد تهدید هژمونیک اقتصادی است.

ژئواکونومی این سه منطقه برای بخشی از آینده انرژی جهان

مهم است. این سه نقطه در شمال ارس در مسیر اصلاندوز تا ماکو در یک محدوده ۵۰۰ کیلومتری و در حصر قرار گرفته و توان ایفای نقش طبیعی خود را ندارند. یعنی حفظ هژمونیک بر رودخانه ارس یکی از مهم‌ترین عوامل برتری ژئوپلیتیک است. اکنون ترکیه نه تنها از سرچشمه ارس بر این رود اشراف دارد بلکه با محور همکاری با آذربایجان و همکاری با روسیه در قره‌باغ جنوبی، می‌تواند مدیریت منابع آبی را نیز در دست داشته باشد. این در حالی است که ۴۵۰ کیلومتر از مرزهای ایران با قفقاز مرز آبی با ارس است و ۳۹ درصد از کل ارس در خاک ایران قرار دارد و ایران برای استفاده کشت‌زارهای جنوب ارس که بیش از هر کشور دیگری وابسته به این منابع است، در حال اجرای طرح‌های گسترده‌ای است که اهمیت هیدرواستراتژی و هیدروپولیتیک اکنون خود را بیش از گذشته نمایان کرده است.

ارزش‌های نظامی این جنگ برای محور باکو- آنکارا بسیار کم اهمیت‌تر از ارزش‌های اقتصادی آن بوده است. (ژئواکونومیک)

به‌همین دلیل باکو و آنکارا که مجریان اصلی پروژه جنگ قره‌باغ بودند اهداف کلان اقتصادی از جمله ایجاد کریدورهای انرژی و شبکه‌های تجاری و بازرگانی را پس از این جنگ مدنظر داشتند. ضمن این‌که وقتی توافقات و معاهدات کشورهای آذربایجان و ترکیه با کشور اسرائیل را بررسی می‌کنیم می‌بینیم، پیش از این جنگ زمینه‌های معاهدات اقتصادی و امنیتی را ایجاد کرده بودند. (ژئوپلیتیک)

اسرائیل برای قره‌باغ طرح‌های درازمدت که قبلاً می‌خواست به کمک خاندان پهلوی در ایران جهت کشاورزی و در آنجا عملیاتی کند و هم اکنون اقدامات خود را با کمک آذری‌ها و ترک‌ها شروع کرده است.

اگر ترکیه از راه نخجوان به جمهوری آذربایجان راه یابد اساساً شمال ارس به دروازه ترکیه (دروازه تورانیسم عثمانی) برای ورود به حوزه دریای خزر باز خواهد شد و ترکیه حتی به بازیگر فعال در حوزه کشورهای دریای خزر نیز تبدیل خواهد شد. این یک فاجعه استراتژیک و ژئوپلیتیک برای ایران خواهد بود. از آن پس ایران در حوزه مناسبات دریای خزر باید با بازیگر تازه واردی که قابلیت خوبی در جلب همکاری کشورهای ترک زبان از جمله ترک‌مستان و قزاقستان دارد روبرو شود.

نقشه (۳): کریدور زنگزور در نخجوان

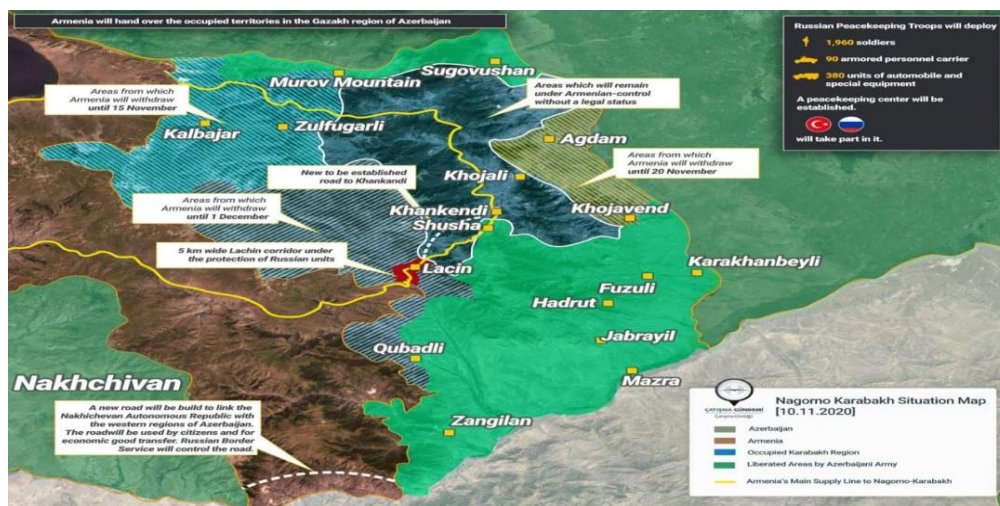


یعنی این کشورها می‌توانند به دلیل محیط پیرامونی که این کریدور ایجاد شده تهدیداتی را برای ایران داشته باشند و ما امنیت ملی خود را در چند کیلومتری مرزهای خودمان مورد تهدید جدی می‌بینیم.

ترکیه برای رسیدن به خزر و احیای راه ابریشم انرژی در تلاش بوده است. ترکیه قصد دارد با ایجاد کریدور زنگزور، گاز و نفت ترکمنستان و دریای خزر را با همکاری بریتیش پترولیوم و اگزوموبیل به جیهان و سپس به اروپا و جهان صادر کند. این خط، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک شمال ارس را تغییر خواهد داد.

نقشه (۴): قره‌باغ پس از بحران و محورهای بازگشایی شده

اگر کریدور جدید قفقاز در محور جنوبی یعنی مرزهای ایران شکل گیرد و محور انرژی به نحوی که به ضرر ایران باشد ایجاد شود، قطعاً ضربه دیگری به موقعیت ژئوپلیتیک ایران وارد می‌شود. اگر یک لوله گازی در این منطقه کشیده شود باید توجه داشته باشیم که این تنها یک لوله گازی نیست بلکه یک کریدور استراتژیک است که باعث می‌شود کشورهایایی که در این مسیر سهم دارند موقعیت ژئوپلیتیک با یکدیگر پیدا کنند. به نوعی سهام داران این کریدور که نمی‌دانیم چه کشورهایی هستند همسایگان جدید ما خواهند بود.



این توافق به آذربایجان این امکان را می‌دهد، که در مناطق جنوبی ارمنستان به منظور اتصال زمینی نخجوان به خاک آذربایجان، یک کریدور به عرض پنج کیلومتر در اختیار بگیرد، این کریدور ارتباطی اگر چه جدایی سال‌های دراز میان آذربایجان با نخجوان را از بین می‌برد، اما از قرار معلوم به صورت کامل در اختیار این کشور نخواهد بود و مالکیت آن حداقل به مدت ۵ سال در اختیار ارمنستان باقی خواهد ماند.

تعیین تکلیف قره‌باغ اگر بدین صورت بر پایه توافق کنونی پیش رود، فضای ژئوپلیتیک ایران را در شمال ارس تنگ‌تر خواهد کرد. ایران همچنان ناظر خاموش تحولات جاری است و در ساز و کارها و مناسبات امنیتی-اقتصادی و سیاسی شمال ارس طی سه دهه گذشته کنار گذاشته شده است.

انتقال کریدور نخجوان - جمهوری آذربایجان به خاک ارمنستان

با این همه این امکان جدید که به آذربایجان داده شده است، کریدورهای ارتباطی آذربایجان به نخجوان از خاک ایران را که پیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گرفت، به حاشیه خواهد برد و اساساً باعث کاهش وابستگی ترانزیتی آذربایجان به ایران خواهد شد. در تحولات قره‌باغ به‌خصوص تشدید و ادامه جنگ میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان نیز دولت ترکیه به ایفای نقش اصلی پرداخته است. دولت ترکیه علاوه بر تقویت نظامی و تسلیحاتی گسترده آذربایجان، به تهییج و تحریک سران آذربایجان، شهروندان ترک‌زبان سایر کشورها در چارچوب یک برخورد دینی و قومی نیز پرداخته و بر شدت و زمان جنگ قره‌باغ افزوده است. بخش اصلی منازعات منطقه بر اهداف و نیات قدرت‌طلبانه و کشورگشایی رئیس‌جمهوری ترکیه، رجب طیب اردوغان استوار است که برای دستیابی به اهداف و نیات خویش برای کسب جایگاه قدرت مطلق آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا، این بار قفقاز و مسائل قره‌باغ را در دستور کار سیاست‌گذاری خود قرار داده است.

این روند آزادسازی مناطق اشغالی قره‌باغ را نمی‌توان پایان منازعات قفقاز و به‌ویژه دو کشور آذربایجان و ارمنستان محسوب کرد، زیرا فرآیند قدرت‌یابی آذربایجان که طی چند دهه اخیر با تقویت ارتش و تجهیزات نظامی پیگیری شده است، با نیت و هدف اتصال زمینی خاک آذربایجان به جمهوری نخجوان ادامه خواهد یافت.

احساس می‌کنیم که علاوه بر این که منافع ملی ایران در منطقه حفظ نشده بلکه حضور تروریست‌ها، نئو عثمانی‌ها و نیز اسرائیلی‌ها در منطقه در آینده امنیت ملی ما را به خطر خواهد انداخت.

اگر خوشبینانه به مسئله قفقاز و عملکرد مسئولین سیاست خارجی و امنیت ملی ایران نگاه کنیم باید اذعان کرد که غفلت استراتژیک کردند و در نگاه بدبینانه باید گفت به کمای استراتژیک رفته‌اند.

ما در این منطقه کاملاً بی‌هوش شده‌ایم و نمی‌دانیم که در بالای سرمان و در کوتاه مدت چه اتفاقاتی افتاد و چه جغرافیایی علیه ما در حال شکل گرفتن است.

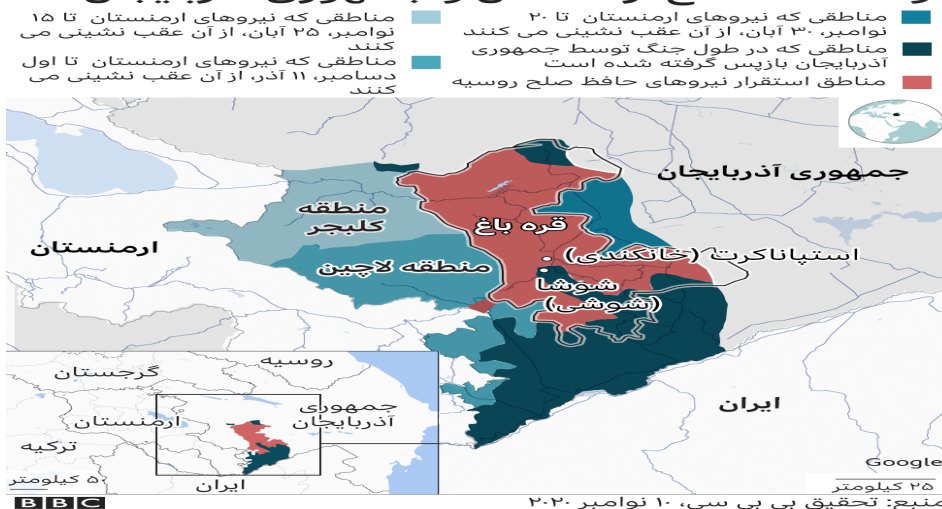
در شکل‌گیری توافق نامه‌ای که بین آذربایجان و ارمنستان صورت گرفت، ایران هیچ‌گونه نقش و حضوری ایفا نکرد اما ترکیه و روسیه کشورهایی بودند که پای ثابت آن بودند، در نهایت هیچ منفعتی هم از آن به ایران نرسید و سود اصلی را ترکیه و روسیه بردند. ترکیه‌ای که هیچ مرز زمینی و دریایی با قره‌باغ نداشته باید به‌عنوان ناظر بر آتش بس ورود کرده و حضور داشته باشد این برای ایران با داشتن بیش از ۸۰۰ کیلومتر مرز زمینی با منطقه قفقاز جز کاهلی در سیاست خارجی عنوان دیگری را نمی‌توان بر آن نهاد.

توافق نامه صلح جنگ قره‌باغ با رهبری روسیه و نفوذ ترکیه و در پشت صحنه امضا شد. این توافق نامه منجر به تسلیم نیروهای ارمنی داخل آذربایجان و استقرار نیروهای صلح روسی در مناطق قره‌باغ شده است. این توافق نامه به معنای شکست ارمنستان بوده است.

نکته این است که اگر کوریدور "مقری" به مسیری برای انتقال نئو عثمانی‌ها و پان ترکیسم‌ها و تروریست‌ها بدل گردد یا باعث شود که به مرور یا کوتاه مدت مرزهای سرزمین و ارتباطی ایران با ارمنستان قطع گردد یا از لحاظ حقوقی در اختیار آذربایجان باشد قطعاً ایران بازنده اصلی جریان قفقاز خواهد بود.

نقشه (۵): نقشه توافق نامه صلح

توافقنامه صلح ارمنستان و جمهوری آذربایجان



نکرده و به گونه مستمر از آن بهره‌برداری نکنند. بنابراین اگر در این نبرد، ایران شریک استراتژیک نداشته باشد قطعاً وزن ژئوپلیتیک‌اش به‌ویژه در عرصه دیپلماسی، محدود و آسیب پذیرتر خواهد شد. ایران باید ماهیت ژئوپلیتیک تهدیدات دائمی که در سراسر مرزهای ما با طرح و برنامه، چیدمانی مهندسی شده پیدا کرده است را شناسایی کرده و به مقابله ژئوپلیتیک با آن بپردازد. تصور غالب بر این است که پایان جنگ قره‌باغ را نمی‌توان به منزله پایان مناقشه قره‌باغ تلقی کرد و رهبران آذربایجان و ارمنستان مجبور هستند برای حل دائمی مناقشه چاره‌ای بیاندیشند. در غیر این صورت اختلافات دیرینه آذربایجان و ارمنه بر سر قره‌باغ کوهستانی به دور تسلسل باطل جنگ در منطقه منتهی خواهد شد و خسارات دیگری پدید خواهد آورد.

الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان در جریان بازدید از منطقه جنگ‌زده زنگیلان گفت: "هیچ کس نمی‌تواند تضمین دهد که فاشیسم ارمنی پس از چند سال دوباره سر بر نخواهد آورد." این سخنان علی اف به نوعی حکایت از نگرانی دولت متبوع او از تحولات آینده دارد.

جامعه بین المللی در شرایط حاضر برای کاهش آلام مردم آذربایجان و ارمنستان و حل نهایی مناقشه مسئولیت سنگینی بر دوش دارد. تشویق مردم هر دو کشور به تفاهم، بازگشایی خطوط ارتباطی و احیای مراودات اقتصادی، بازگشت صدها هزار آواره جنگی به موطن خود، گشوده شدن مرزهای بین المللی آذربایجان و ترکیه با ارمنستان، تشکیل بازار مشترک منطقه‌ای و مشارکت مؤثر در بازسازی مناطق جنگ‌زده می‌تواند صلح دائمی و قطعی را برای مردمان منطقه به ارمغان آورد. در این زمینه مسئولیت ایران، ترکیه و روسیه به‌عنوان قدرت‌های مطرح در منطقه مضاعف است. این سه دولت می‌توانند با ایجاد آرامش روانی،

بند نهم که ایجاد دهلیز زنگزور (مقری) را متعهد شده است، مهم‌ترین بخش توافق دهم نوامبر میان آذربایجان-ارمنستان و روسیه است. بر پایه این بند نخستین بار در تاریخ قفقاز جنوبی، ترکیه رسماً به جمهوری آذربایجان از طریق راهی که قرار است به نخجوان وصل شود، ارتباط زمینی مستقیم خواهد داشت. اگر چه همچنان نحوه ساخت چنین راهی چندان روشن نیست ولی این بند متذکر می‌شود که «با توافق طرفین، ساخت محورهای حمل و نقل جدید برای متصل کردن جمهوری خود مختار نخجوان به مناطق غربی جمهوری آذربایجان انجام خواهد شد».

باید توجه داشت که ارزش استراتژیک کریدور جنوبی مقری ابدأ قابل مقایسه با ارزش استراتژیک لاجین در محور ارمنستان به استپاناکرت نیست. کریدور لاجین تنها برای ارمنستان مهم است ولی کریدور مقری برای قدرت‌های منطقه‌ای، جهانی و کمپانی‌های بزرگ انرژی و حتی دور زدن ایران و یا ایجاد کمربند قومی در شمال ایران اهمیت فراوانی دارد.

ایران پس از جنگ قره‌باغ باید یک بازنگری اساسی نسبت به قفقاز داشته باشد چرا که در این مسیر کریدور انرژی جدیدی شکل خواهد گرفت که کمپانی‌های بزرگ وارد آن می‌شوند همچنین در جنوب قره‌باغ کریدور گازی ایجاد و شرکت‌های بزرگی مانند بریتیش پترولیوم وارد خواهد شد که قراردادهای آن هم امضا شده است.

بنابراین می‌توان پیش بینی کرد که با این کریدور جدید گاز انرژی دریای خزر از جنوب باکو به سمت ترکیه و از آنجا به اروپا برود و ایران این مزیت را از دست خواهد داد.

در جهان امروز هیچ قدرتی توان ژئوپلیتیک نخواهد داشت اگر در مناسبات گسترده‌تر جهانی محورهای مشترک هم‌سود پیدا

بازنده بزرگ بودن، قطعا در آینده نزدیک با مشکلات و تهدیدات امنیتی جدید و جدی‌تر از گذشته مواجه خواهد شد. در مسئله سوریه، مرز ما درگیر نبود اما در مسئله آذربایجان، ارمنستان صدها کیلومتر از مرزهای زمینی و هوایی ما مستعد درگیری است. همچنین به نوزاد تازه متولد شده این جریان نیز باید توجه کرد، کارخانه ساخت پهباد در آذربایجان که توسط اسرائیل و با اهداف مشخص در آینده راه اندازی شده است.

۸. اقتدار جمهوری آذربایجان یا وزن ژئوپلیتیک در قفقاز چون در دایره ناتو، اسرائیل و ترکیه قرار دارد؛ تهدید جدی منافع ملی ایران است.

۹. محتاج تغییر از درونیم، تغییر در نگرشمان به جهان و شیوه حکمرانی. باید چالش‌ها را به رسمیت بشناسیم و ساختار حکمرانی را با شرایط قرن ۲۱ متناسب کنیم.

۱۰. باید وزن خود و تناسیب با دیگر بازیگران منطقه و جهان را درک کنیم. باید راهبردهایی منطبق با واقعیات و اهداف متناسب با منافع ملی اتخاذ کنیم. باید کاری کنیم ملت احساس پیشرفت کند و به فردای بهتر بیندیشد!

۱۱. دیپلماسی دفاعی ایران اکنون نیازمند دمیدن یک حیات تازه است. ایران به عنوان کشوری که قابلیت‌های سرزمینی و ژئوپلیتیک درون‌زا و برون‌زا را دارد، می‌تواند با تغییراتی، محیط ضدامنیتی مجاور نزدیک خود را به معادله معکوس تبدیل کند و چاره کار در آن است که دکترین جدید متناسب با شرایط جدید طراحی و به مرحله اجرا در آید.

تشکر و قدردانی: تشکر از سازمان جغرافیایی بابت کمک در تدوین این مقاله

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: "موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است"

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: "موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است"

منابع

۱- احمدی نیا، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی برخی از بسته‌های پیشنهادی برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ کوهستانی»، فصل‌نامه آذرآران، سال دوازدهم، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۳۴-۳۸.

۲- افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد.

۳- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۳)، «قره‌باغ از دیرباز تاکنون:

کمک به بازسازی زیرساخت‌ها و مقابله با مداخلات بیگانگان در امور منطقه نقش تاریخی خود را ایفا نمایند. تنها در این صورت صلح دائمی و قطعی بین آذربایجان و ارمنستان برقرار خواهد شد و پایان جنگ قره‌باغ به پایان مناقشه قره‌باغ منتهی خواهد شد و برای این منظور نیاز به نهادینه کردن "مدل آستانه" در قفقاز و اجرای طرح ۳+۳ یعنی همکاری سه جانبه "ترکیه-ایران-روسیه" با سه کشور "آذربایجان-ارمنستان و گرجستان" در قفقاز جنوبی و ایجاد صلح و همکاری شش جانبه در منطقه است.

نتیجه‌گیری

۱. سیاست خارجی ایران در قبال دو کشور آذربایجان و ارمنستان فاقد دستاورد استراتژیک با وجود همسایگی و مرزهای آرام و امن بوده است.

۲. «سیاست پیروی غیرفعال» و «سیاست خارجی منتظر رویدادها نشستن» در قبال دو کشور ارمنستان و آذربایجان، هیچ‌گونه نتیجه‌ای نداده است.

۳. ایران به اندازه داشتن ۸۰۰ کیلومتر مرز با قفقاز در مقایسه با رقبای خود سودی نبرده است. ایران را چه شده است که کمترین کنشی را در این حوزه در چند کیلومتری خاک خود ندارد.

۴. اکنون زمان آن است که تا دیر نشده، ایران با توجه به قدرت نرم و سخت خود همراه با رایزنی‌های دیپلماتیک، تهدیدات پسا توافق را به فرصتی برای تامین منافع ملی در حوزه شمال غرب ایران و ارس تبدیل کند.

۵. پیامدهای چنین طرحی، آثار زیان‌باری بر روی منطقه آزاد تجاری ارس در جلفای ایران و کلا در مناطق جنوب ارس خواهد داشت. اقتصاد مردم این مناطق وابسته به محور شمال ارس خواهد شد و بیش از گذشته ایران را دور خواهند زد. دهلیز زنگزور منطقه آزاد تجاری ارس را که قرار بود سکوی پرش اقتصادی منطقه با اوراسیا شود، تبدیل به منطقه‌ای کاملاً با اقتصاد معکوس و غیرقابل تجاری خواهد کرد. به سخنی دیگر جنگ ژئوپلیتیکی با ایران در حال شکل‌گیری است.

۶. جمهوری اسلامی ایران با تکیه به "وضعیت"، "موقعیت" را فدا می‌کند، که این رویکرد به خاطر گرایش اندکی از مردم باورمند به پان تورک و مواضع برخی افراد و گروه‌ها و ... باکو و آنکارا از این نحله است؛ لذا باید ایران به ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیکی خود بپردازد.

۷. اگر تا قبل از نهایی شدن توافق‌نامه بین آذربایجان و ارمنستان ایران مطالبه‌ای نکند و به بازی وارد نشود، به غیر از

- دفاعی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲، صص ۱۵۰ - ۱۱۱.
- ۱۸- کوهنورد، نفیسه (۱۳۸۳)، «سقف‌های پارچه‌ای: به مناسبت دهمین سالگرد آتش بس قره‌باغ»، روزنامه همشهری، ۲۳ اردیبهشت.
- ۱۹- امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جلال دهقانی فیروز آبادی، فصل‌نامه بین المللی روابط خارجی ۱۳۸۸، ص ۲۲۳، شماره ۱.
- ۲۰- برنامه ریزی استراتژیک توسعه و اجرای آن در سازمان‌ها، حامد محمدی، مجتبی طبری، اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۳۸۷ شماره ۲۵۲، ص ۱۹۱.
- ۲۱- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۵)، دلایل و ابعاد بحران اخیر قره‌باغ، قابل دسترسی در <http://www.iras.ir>
- بررسی رویدادها»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، صص ۳۰۶-۳۰۷.
- ۴- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۲)، «قره‌باغ؛ گره کور منطقه قفقاز»، فصل‌نامه آذرآران، سال دوازدهم، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۸-۲۱.
- ۵- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ابعاد و سطوح مداخله در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ»، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، صص ۱-۲۴.
- ۶- خدابنده‌لو، بهزاد (۱۳۹۶) بحران قره‌باغ و تأثیرات آن بر روابط ایران و آذربایجان از ابتدای مناقشه تا مرور، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
- ۷- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۹۶) پیشینه و چشم‌انداز مرزهای سیاسی با تأکید بر جغرافیای سیاسی دریایی و مرزهای ایران، رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۸- ریکور، پل (۱۳۸۳)، «زمان و حکایت: ج ۱: پیرنگ و حکایت تاریخی»، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: گام نو.
- ۹- زهرانی، مصطفی و تیمور فرجی لوحه سرا (۱۳۹۲)، «منابع بین المللی تداوم بحران قره‌باغ»، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، صص ۱۳۴ - ۱۰۷.
- ۱۰- سرداری نیا، صمد (۱۳۸۳)، «قتل عام مسلمانان دو سوی ارس»، تبریز: انتشارات اختر.
- ۱۱- کمالیان، محمد جواد (۱۳۸۱)، «قضیه ناگورنو-قره‌باغ»، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۲- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، «تحول در نظریه‌های روابط بین الملل»، تهران: سمت.
- ۱۳- میرمحمدی، سیدرضا (۱۳۸۵)، «مناقشه قره‌باغ، ریشه‌ها و پیامدها»، دو فصل‌نامه ایراس، سال اول، شماره ۱، صص ۹۸ - ۱۲۲.
- ۱۴- نظرآهاری، رضا (۱۳۸۰)، «سازمان امنیت و همکاری در اروپا و مناقشه ناگورنو قره‌باغ»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، صص ۱۰۶ - ۸۵.
- ۱۵- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ بحران‌ها و بازیگران»، ص ۱۳۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «سیاست و امنیت در قفقاز»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷- ولیقلی زاده، علی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل راهبردی بنیان‌های جغرافیایی بحران‌های ژئوپلیتیکی (با تأکید بر بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ)»، مجله‌ی سیاست